

## بررسی عدالت مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده

محمد رضا زنده دل برون<sup>۱</sup>

### چکیده

از عدالت تعاریف متعددی به عمل آمده است. مواردی مانند عدالت از مفاهیم مشکک هستند، بنابراین تعریف آنها دچار پیچیدگی‌هایی است. عدالت از مفاهیمی نیست که اسلام متعرض آن نشده باشد، نه تنها چنین نیست بلکه عدل را یکی از اصول دین در کنار توحید، نبوت، امامت و معاد بر شمرده است. وقتی می‌گوییم عدالت مالیاتی، یعنی هم عدالت افقی و عمودی را در نظر داریم و هم مفهوم کلی و عام آن مدنظر است. مالیات بر ارزش افزوده یکی از عوامل سبب‌ساز تغییر در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات است. در نتیجه تغییر در تقاضا می‌تواند خود سبب فشارهای تورمی در اقتصاد گردد. بنابراین به نظر می‌رسد دولت اسلامی و عدالت‌گستر با تمهیداتی مانند اختصاص نرخ مالیاتی صفر به کالاهای اساسی و خدمات ضروری می‌تواند موجب گسترش عدل و عدالت در جامعه شده و در جهت مرعا نمودن عدالت افقی و عمودی نیز گام بردارد.

واژگان کلیدی: عدالت، مالیات بر ارزش افزوده، ایران.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، وکیل پایه یک دادگستری



## مقدمه

شده تنها به بعد آموزشی خلاصه نمی‌گردد بلکه در بعد عملی نیز نبود منبعی که بتواند راهگشای مودیان، دست‌اندرکاران، وکلا و ... در امور مالی و مالیاتی باشد کاملاً محسوس می‌باشد. به طوریکه مشکلاتی را در ابعاد گوناگون همچون عدم اطلاع مودیان، وکلا و تصمیم‌گیران موجب گردیده و کمتر وکیل دادگستری در ایران وجود دارد که در خصوص قوانین و مقررات مالیاتی تبحر داشته باشد. علاوه بر این قانون مالیات بر ارزش افزوده که در سال‌های اخیر تصویب و هر بار برای اجرا با مشکلاتی مواجه شده است نشان می‌دهد که عدم شفاف‌سازی مالیات و در واقع عدم تنویر افکار و اذهان در این خصوص در آینده باعث بروز مشکلات زیادی خواهد شد، چرا که اگر حقوق مسلم و قانونی مردم در اجرای این قانون و تأثیر آن در مبحث هدفمند نمودن یارانه‌ها بصورت شفاف بیان شود و اجرای آن در حقیقت با یک اطلاع‌رسانی دقیق و جامع به صورت یک فرهنگ عمومی درآید شاهد آینده‌ای درخشان خواهیم بود و در غیر اینصورت باید این قانون را برای همیشه ترک نموده و از اجرای آن دست بکشیم، در این مقاله سعی شده حقوق شهروندی در نظام مالیات بر ارزش افزوده و تأثیر آن در هدفمند نمودن یارانه‌ها بررسی شده و امید است در آینده بتوانیم نسبت به تکمیل این موضوع اقدام تا مفید به فایده برای جامعه حقوق باشد. واژه عدالت دارای معانی و مفاهیم متعددی است. مشکل بر سر تعریف عدالت از آنجایی ناشی می‌شود که اینگونه امور از دسته مشکک هستند. برخلاف کلیات متواطی که بر مصادیقش به طور یکسان و یکنواخت صدق می‌کند (مظفر، ۱۳۸۵: ۵۳).

حقوق شهروندی هدیه الهی و جزء حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. از صفات انسانی محسوب می‌شود، کسی نمی‌تواند هدیه کند، غیرقابل انتقال است، تقسیم‌ناپذیر است، عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر هستند، جهانی است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد در هر مکانی که باشد و از هر رنگ، نژاد، جنس، زبان و مذهبی که باشد استحقاق برخورداری از آن را دارد، حقوق شهروندی منبعت از تعالیم اسلامی می‌باشد؛ این مفاهیم امروزه جهانی شده و ارزش معنوی پیدا کرده است.

آنچه تا کنون در باب مالیه عمومی به رشته تحریر درآمده، بیشتر به بررسی مالیه عمومی از نظرگاه اقتصادی پرداخته است و کمتر به موضوع از دیدگاه حقوقی اشاره داشته؛ در حالی که حقوق مالیه رشته مهمی از شعبه حقوق عمومی است که اساس و بنیان دولت‌ها به نوعی در نقشی وابسته است که این رشته حقوقی ایفاء می‌نماید. این بی‌توجهی در دانشکده‌های حقوق نیز دنبال شده، به طوری که از عنوان حقوق مالیه نیز تا کنون کمتر جهت معرفی و شناسایی این رشته استفاده شده است. علاوه بر این، نبود یک منبع درسی منسجم که با نگرش حقوقی به مطالب و موضوعات آن توجه نماید کاملاً مشهود می‌باشد. در حالیکه درس مزبور هم در دوره کارشناسی و هم در دوره کارشناسی ارشد قرار دارد. بر همین اساس در بیشتر دانشکده‌های حقوق از کتب و منابعی استفاده می‌شود که کمتر خواسته‌های دانشجویان حقوق را برآورده می‌سازد و گاهاً نیز جزوه‌های پراکنده‌ای که کمتر با بینش حقوقی به موضوعات مالیه توجه داشته در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌گیرد. نارسایی‌های ذکر



## مفهوم لغوی عدالت

عادل کسی است که نمی‌گذارد که یک قوه بر دو قوه دیگر تسلط یابد و فقط در این حال است که انسان در زندگی خود از شادی بهره‌مند می‌شود. این تعریف از عدل جنبه فردی عدالت است که با توجه به همان معنای لغوی (اعتدال و میانه‌روی در امور و ...) و به معنی اعتدال ارائه شده است (در زبان یونانی کلمه عدل وسیعتر است و به معنی راستی، خوبی‌ها به طور کلی به کار رفته است. اما این لفظ اعتدال بیشتر می‌تواند نظریه افلاطون را بیان کند.

**ب) جنبه اجتماعی عدالت (از نظر افلاطون):** طریق دیگری که افلاطون برای ارائه تعریف نظریه خود در باب عدالت اجتماعی بیان می‌کند از طریق تحلیل فضایل اریعه، که مورد عنایت بوده و آن چهار فضیلت عبارتند از:

فرزانگی (حکمت)، دلیری (شجاعت)، خویشنداری (انضباط، عفت) و عدالت.

طبق نظریه افلاطون سه فضیلت اولی (غیر از عدالت) هر کدام مخصوص طبقه‌ای از طبقات خاص مدینه فاضله است؛ یعنی:

فرزانگی متعلق به فرمانروایان، دلیری متعلق به یاوران (سپاهیان)، خویشنداری متعلق به توده مردم است.

اما ویژگی چهارم یعنی عدالت (عدل) فضیلتی است که در پرتو آن هر یک از این سه گروه فقط به کار ویژه خویش مشغول باشد و به همین‌سان هرکس فقط به کاری که برای آن ساخته شده است و استعدادش را دارد مشغول شود و در کار دیگر دخالت نکند. در این بیان، افلاطون جنبه اجتماعی عدل را با استفاده از الگوی عدالت فردی بیان می‌کند (همان ۴ فضیلت فردی) و در این جنبه نیز همان رعایت حدود و اعتدال

در فرهنگ معین ذیل واژه عدالت آمده است: (ع ل) ع. عدالة) ۱- (مص ل) عادل بودن، انصاف داشتن. ۲- (امص) دادگری (معین، بی‌تا)، نیز در سایت لغتنامه دهخدا درباره لغت عدالت آورده شده «دادگری کردن»، عدالت‌کردن (loghatnaameh.org,1395/04/23). جرجانی گوید: عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آنچه محظور است در ادامه پس از مشخص شدن معانی لغوی معنای اصطلاحی عدالت را خواهیم رسید.

## مفهوم اصطلاحی عدالت

در معنای اصطلاحی هم تعریف عدالت با مشکلات فراوانی روبروست. زیرا دارای مصادیق و اقسام بی‌شماری است. اما چنانکه می‌دانیم یکی از ویژگی‌های نظام فکری افلاطون همه‌جانبه‌نگری (کلیت امور) است و بر همین اساس، وی عدل را نه از لحاظ فردی بلکه از جنبه اجتماعی آن می‌نگرد. با توجه به این نکته است که افلاطون از دو طریق، عدل را تعریف می‌کند:

**الف) جنبه فردی عدل:** از طریق تحلیل سرشت انسان که بر طبق نظر وی از سه قوه به شرح ذیل فراهم آمده است:

- قوه تعقل و تمییز خوب از بد (قوه نطق نیز گفته‌اند)؛
- قوه شهوت، جلب منفعت، خوردن، جفت‌گیری؛
- قوه غضب، انگیزه و میل به برتری و بلندپروازی.

هر یک از این سه قوه در تن آدمی در جای معینی قرار دارد (نطق یا عقل در سر، شهوت در شکم و غضب در سینه) اما افلاطون عدل را صفتی می‌داند که تعادل میان این سه قوه در سرشت انسان را پدید می‌آورد. فرد



در دستور کار اسلام قرار گرفته تا گردش سالم اقتصادی در جامعه تحقق یابد و از انباشت سرمایه و ثروت در دست طبقه‌ای اجتماعی جلوگیری به عمل آید و همگان بتوانند از فرصت کوتاه زندگی دنیوی به بهترین شکل بهره‌مند شوند. صرفنظر از اثبات یا عدم اثبات اصل مالیات‌ستانی در اسلام که مجال دیگری می‌طلبد به سراغ عدالت مالیاتی می‌رویم.

**عدالت مالیاتی:** یکی از اصول کلی حقوقی در حقوق مالیاتی اصل عدالت و برابری مالیاتی است. برابر اصل عدالت و برابری مالیاتی، مالیات باید بصورت عادلانه بین مردم تقسیم شده و به توانایی پرداخت مالیات دهنده توجه شود. برای نیل به عدالت مالیاتی یک قانون مالیاتی مناسب باید سه ویژگی برابری، همگانی و تناسب را داشته باشد (طاهری تازی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

مفهوم عدالت مالیاتی اعم از عدالت افقی و عدالت عمودی می‌باشد. عدالت افقی بدین معناست که بار مالیاتی باید به گونه‌ای برابر در شرایط یکسان و به گونه‌ای نابرابر در شرایط نایکسان بین شهروندان و اشخاص (یعنی مودیان مالیاتی) سرشکن شود.

در واقع اصل عدالت مالیاتی افقی به شرایط مشابه و برابر افراد و اشخاص مشمول مالیات اشاره دارد. به همین سبب برای دستیابی به عدالت افقی مالیاتی باید شرایط یکسان و مشابه برای افراد فراهم کرد تا براساس آن به گونه‌ای برابر مشمول پرداخت مالیات شوند. به همین سبب عدالت افقی مالیاتی را باید در واقع گونه‌ای رفتار برابر با اشخاص در موقعیت‌های برابر دانست، هر چند که این افراد درآمدهای خود را از طرق گوناگون به دست آورده باشند. این تعریف از عدالت افقی در مفهوم سنتی و کلاسیک از عدالت ریشه دارد (همان، ۱۶۹).

که در ریشه لغوی آن وجود دارد لحاظ شده است؛ منتهی با تعبیری خاص.

در نگاه اول به نظر می‌رسد افلاطون عدل را نیز طبقاتی کرده است (ندایی، Tebiyan.net). آنچه که ملحوظ نظر این مقاله است، عدالت از نوع اجتماعی آن می‌باشد. بهتر است بدانیم نظر اسلام بعنوان یک دین توحیدی بزرگ چیست؟

می‌دانیم عدالت از مفاهیمی نیست که اسلام بدان بی‌نظر باشد نه تنها چنین نیست بلکه عدل را یکی از اصول دین در کنار توحید، نبوت، امامت و معاد برشمرده است. در کتاب آسمانی مسلمانان حوزه اقتصادی به سبب اهمیت آن در زندگی بشر، یکی از مباحث عمده را تشکیل می‌دهد؛ زیرا تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی و سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است. از نظر اسلام، اقتصاد و ثروت، مایه قوام اجتماعی است. از اینرو، تصحیح و اصلاح روابط اقتصادی جامعه، در کنار تصحیح نگرش‌های اعتقادی در صدر آموزه‌های آن قرار گرفته است.

از مهم‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی، ارائه بهترین الگو در سبک زندگی براساس عدالت قسطی است؛ بدین معنی که عدالت، زمانی که به صورت ملموس و عینی در جامعه‌ای تحقق یابد و هر کسی قسط و بهره و نصیب خویش را از امکانات مادی دنیا بگیرد، فرصت بهتری می‌یابد تا دیگر نیازهای روحی و معنوی خویش را سامان داده و هر یک از قوای خویش را در مسیر فعلیت و تمامیت کمال قرار دهد.

مبارزه با انواع فسادها و تجاوزها در حوزه اقتصادی و تخطئه روش‌های ستمگرانه‌ای چون؛ ربا، رشوه، کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار و مانند آن، از این نظر



قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات است. در نتیجه تغییر در تقاضا می‌تواند خود سبب فشارهای تورمی در اقتصاد گردد از طرفی با اجرای این مالیات معمولاً قشر حقوق‌بگیر جامعه با افزایش بهای کالاها و خدمات خواهان افزایش حقوق و دستمزد به منظور حفظ قدرت خرید خود می‌باشد که خود این تزریق پول نیز تورم‌زا می‌باشد (ضیائی بیگدلی و طهماسبی بلداجی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۳).

حال به این فهرست، افزایش بهای حامل‌های انرژی و کالاها و خدمات و تزریق وحشتناک یارانه نقدی را اضافه کنید، خواهید دید که کمر اقتصاد را می‌شکند. چنانچه در اجرای همزمان قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و قانون مالیات بر ارزش افزوده در طرح تحول اقتصادی شاهد آن بودیم.

هیچکس منکر مزایا و نکات مثبت قانون مالیات بر ارزش افزوده نیست، اما به نظر می‌رسد در شیوه اجرای آن حقوق مهمی از مردم مورد تضییع قرار گرفته است. از طرفی یک مفهوم مهم عدالت مالیاتی به معنای برخورد یکسان دولت در اخذ مالیات با افرادی است که دارای وضع مالی یکسانی هستند. بدین معنا که به میزان توانایی آنها مالیات به آنها تعلق گیرد. بحثی که به نظر می‌رسد قانون مالیات بر ارزش افزوده از آن غفلت نموده است، بحث بر سر این است که افراد از وضع مالی یکسانی برخوردار نبودند اما این قانون با بی‌رحمی تمام، در مورد همگان با هر سطح درآمدی اعمال گردید.

نکته دیگر اینکه در این نظام مالیاتی افرادی که مصرف بیشتری دارند مالیات بیشتری نیز خواهند پرداخت در حالیکه همیشه مصرف بیشتر به معنای موقعیت بهتر اجتماعی نیست. چنانچه مثال معروف آن خانواده‌های پرجمعیت می‌باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). در

مقصود از عدالت عمودی نیز این است که وضع مالیاتها باید به گونه‌ای باشد که با شهروندان و اشخاصی که از جایگاه اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند به گونه‌ای نابرابر برخورد کند. مقصود از برخورد نابرابر این است که به توانایی و عدم توانایی پرداخت مالیات توسط برخی اشخاص و شهروندان، دارای وضعیت اقتصادی محروم‌تر از دیگران توجه نشان داده شود. مآلاً نرخ مالیاتی برای تحقق عدالت عمودی باید نرخ متفاوتی باشد و با توجه به افزایش درآمد افراد تصاعدی باشد. از مهمترین چالش‌های این سیستم مالیات‌ستانی، اندازه‌گیری صحیح و واقعی توانایی یا قدرت پرداخت مالیات توسط اشخاص و افراد می‌باشد (همان، ۱۷۱-۱۷۰).

## جایگاه قانون مالیات بر ارزش افزوده در تحقق عدالت مالیاتی

قانون مالیات بر ارزش افزوده نهادی وارداتی از غرب است و مبدع آن فون زیمنس بوده است. از آنجایی که به موجب این نظام مالیات‌ستانی بار پرداختی مالیات بر عهده مصرف کننده نهایی است و علی‌القاعده شهروندی که از کالاها و خدمات بهره‌مند می‌شود می‌بایست بهای آن را بپردازد، قانونی در راستای عدالت مالیاتی تلقی می‌شود.

عادلان بودن مالیات بر ارزش افزوده از آنجا ناشی می‌شود که بر مبنای میزان مصرف از مودی اخذ می‌شود. در ظاهر تمام این اهداف صحیح و منصفانه به نظر می‌رسد. اما مصرف‌کنندگان نهایی چه کسانی هستند؟ آیا دهک‌های بالا و پایین درآمدی می‌بایست یک بار مالیاتی را تحمل نمایند؟ می‌دانیم مالیات بر ارزش افزوده یکی از عوامل سبب‌ساز تغییر در



محصولات کشاورزی و نقض غرض قانونگذار در قانون مالیات بر ارزش افزوده نیست؟

نکته دیگر این است که تأثیر قانون مالیات بر ارزش افزوده و هدفمندی یارانه‌ها تأثیر متقابل است. هم اجرای قانون هدفمندی درآمد دولت را از مالیات‌ستانی بر ارزش افزوده بالا برده و هم قانون مالیات بر ارزش افزوده منابع بخشی از پرداختی‌های دولت بعنوان یارانه نقدی را تأمین نموده. درحقیقت باید اذعان داشت که یکی از منابع اصلی درآمد دولت‌ها مالیات است که تحت عناوین مختلف وصول می‌شود. درآمد حاصل از مالیات، بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و در کشورهایی که مالیات از نظام قانونی و مردمی برخوردار است، بیش از ۶۰ درصد بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد. از این منظر، مالیات بر ارزش افزوده به دلایل مختلف بهترین راه برای اخذ مالیات است، به خصوص در شرایط کنونی اقتصاد ایران که با وجود اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها دولت با کسری بودجه در پرداختی‌های خود مواجه شده است.

در واقع مالیات بر ارزش افزوده در بسیاری از کشورها ضمن تأمین بیشتر عدالت اجتماعی نسبت به سایر مالیات‌ها و بدون از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید، به عنوان منبع درآمد جدیدی در جهت افزایش درآمدهای دولت به کار برده شده است و از آنجا که سیستم مالیات بر ارزش افزوده یک سیستم خود اجراست و همه مؤدیان نقش مأمور مالیاتی را ایفا می‌کنند، هزینه وصول آن پایین است. با نگاهی به طرح هدفمندی در می‌یابیم که بخش عمده هزینه اجرا از ناحیه قانون مالیات بر ارزش افزوده تأمین می‌شود و دولت می‌بایست در جهت ارتقای عدالت اجتماعی این درآمد را در بخش‌های تولید و صنعت و دهک‌های با درآمد پایین (گروه‌های هدف) تقسیم نماید.

اینجاست که دولت می‌بایست چتر حمایتی خود را بر سر نیازمندان جامعه بگستراند، من جمله اعمال نرخ صفر برای کالاهای ضروری.

بر این اساس طبق ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، محصولات کشاورزی فرآوری نشده، دام و طیور زنده، آبزیان، زنبور عسل و انواع کود، سم، بذر و نهال؛ آرد خبازی، نان، گوشت، قند، شکر، برنج، حبوبات و سویا، شیر، پنیر، روغن نباتی و شیر خشک مخصوص تغذیه کودکان؛ کتاب، مطبوعات، دفاتر تحریر و انواع کاغذ چاپ، تحریر و مطبوعات؛ کالاهایی که همراه مسافر و برای استفاده شخصی تا میزان معافیت مقرر طبق مقررات صادرات و واردات وارد کشور می‌شود (مازاد بر آن طبق مقررات این قانون مشمول مالیات خواهد بود) اموال غیر منقول؛ انواع دارو، لوازم مصرفی درمانی، خدمات درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی؛ خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق موضوع قانون مالیات‌های مستقیم، خدمات بانکی و اعتباری بانکها، مؤسسات و تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه مجاز و خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس از مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند. بنابراین هر چند در این زمینه خلاء تقنینی مشاهده نمی‌شود اما بی‌سلیقگی و وقت ناشناسی دولتیان در دوره نهم و دهم در اجرای همزمان با قانون هدفمندی یارانه‌ها خاطره خوبی از این دو قانون در اذهان باقی نگذاشت. حساب کنید کشاورزی را که باید ماشین‌آلات کشاورزی را با نرخ مالیاتی جدید بخرد و نیز گازوئیل ماشین‌آلات را به علت افزایش قیمت حامل‌های انرژی گرانتر خریداری کند. آیا همین مثال ذکر شده باعث اشتباه قانونگذار در قانون قیمت



در برابر مصرف‌کنندگان است. چرا که نه گارانتی معتبری ارائه می‌کنند و نه حتی در قبال صحت و سلامت کالایی که ارائه می‌کنند، مسئولیتی می‌پذیرند. با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، منافع این دسته از خرابکاران بازار، به شدت به خطر می‌افتد.

همچنین قانون مالیات بر ارزش افزوده در عین حال به شدت به نفع صادرات و صادرکننده است. ماده ۱۳ این قانون، صادرات کالا و خدمات را از این مالیات معاف کرده و مقرر داشته مالیات کالاهایی که قبلاً به هنگام فروش آنها مالیات بر ارزش افزوده دریافت شده، هنگام خروج از کشور، مسترد می‌شود. در واقع صادرکنندگان محصولات ایرانی با خرید کالا از بازار ایران و خروج آن از کشور، ۱/۵ درصد از ارزش کالای صادراتی را که قبلاً به عنوان مالیات بر ارزش افزوده پرداخته بودند، از دولت بازپس می‌گیرند.

اما با وجود تمام محاسنی که اجرای صحیح این قانون دارد، باید گفت که متأسفانه به دلیل بروز برخی مشکلات در راه اجرای این قانون، سیاستگذاران هنوز نتوانسته‌اند به درستی به اهداف اصلی خود در راستای اجرای این قانون دست یابند. در حقیقت در وضعیت غیرشفاف موجود در بازار ایران فرصت‌طلبان و کسانی که از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند، با جوسازی و منحرف کردن اذهان عمومی، مالیات بر ارزش افزوده را بهانه‌ای برای ایجاد کمبود مصنوعی و افزایش قیمت محصولاتشان قرار داده‌اند که بی‌تفاوتی و ضعف دولت در اطلاع‌رسانی و توجیه تجار درستکار نیز خود تبدیل به معضلی شده، ضمن اینکه هم اینک تورم ناشی از هدفمندسازی یارانه‌ها نیز مزید بر علت شده است.

در واقع شفاف نبودن اطلاع‌رسانی از ابعاد این قانون منجر به بروز مشکلات و اعتراضات زیادی در مورد اجرای این قانون شده است که همه کم‌کاری دولت را

در عین حال، با توجه به اینکه در این مالیات مؤدیان برای استفاده از اعتبار مالیاتی ملزم به ارائه فاکتور خواهند بود، زمینه برای شناسایی خود به خود میزان معاملات مؤدیان فراهم می‌شود و از طرف دیگر از آنجایی که بسیاری از کالاها با اجرای این قانون از مالیات معاف هستند و یا پرداخت مالیات بر اساس درصد کمتری نسبت به قبل می‌باشد، وصول مالیات با رضایت مؤدیان است و این طرح سبب برقراری هر چه بیشتر عدالت اقتصادی در کشور می‌شود. به شرط آنکه در شیوه اجرا سلیقه به خرج دهیم.

در حقیقت اجرای این قانون به نفع برخی و به ضرر برخی دیگر است. براین اساس باید گفت که، با اجرای مالیات بر ارزش افزوده، منافع ۲ گروه از فعالان بازار به طور جدی به خطر افتاده است. در درجه اول کسانی که پشت پرده به دلالتی و واسطه‌گری مشغولند. کسانی که بدون اینکه در زحمت تولید شریک باشند و بدون اینکه در مقابل مصرف‌کنندگان تعهدی به عهده بگیرند، با قرارگرفتن در مسیر تولید تا مصرف، با خرید و فروش‌های مکرر باعث عدم شفافیت و التهاب در بازار می‌شوند و ضرر این عده بیشتر از این بابت است که براساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، مسیر تهیه و توزیع کالاها شفاف می‌شود.

بنابراین با اجرای این قانون، کسانی که بی‌جهت در مسیر تولید تا مصرف قرارگرفته‌اند شناسایی شده و به تدریج حذف می‌شوند. گروه دیگر ضررکننده‌ها از قانون مالیات بر ارزش افزوده، قاچاقچیان هستند. کسانی که خارج از مسیر قانونی و رسمی واردات، کالاهای خارجی را از بازارهای امارات، ترکیه، عمان، آسیای میانه و حتی افغانستان و پاکستان دور از چشم قانون به داخل ایران منتقل کرده و بازار ایران را مملو از کالاهای بی‌کیفیت خارجی کرده‌اند. ویژگی اصلی این عده، عدم تعهد آنها



عدالت از مفاهیمی نیست که اسلام بدان بی‌نظر باشد نه تنها چنین نیست بلکه عدل را یکی از اصول دین در کنار توحید، نبوت، امامت و معاد برشمرده است. در کتاب آسمانی مسلمانان حوزه اقتصادی به سبب اهمیت آن در زندگی بشر، یکی از مباحث عمده را تشکیل می‌دهد؛ زیرا تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی و سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است که امور مالیاتی هم جزء آن می‌باشد. یکی از اصول کلی حقوقی در حقوق مالیاتی اصل عدالت و برابری مالیاتی است. برابر اصل عدالت و برابری مالیاتی، مالیات باید بصورت عادلانه بین مردم تقسیم شده و به توانایی پرداخت مالیات دهنده توجه شود. برای نیل به عدالت مالیاتی یک قانون مالیاتی مناسب باید سه ویژگی برابری، همگانی و تناسب را داشته باشد.

### فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۱)، *نظام حقوقی حاکم بر وضع مالیات بر ارزش افزوده در ایران*، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- ۲- ضیایی بیگدلی، محمد تقی و طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۸۳)، *مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی مدرن*، تهران: ناشر پژوهشکده امور اقتصادی.
- ۳- طاهری، تازی (۱۳۹۰)، *اصل برابری و عدالت مالیاتی در آیین حقوق بشر و حقوق مالیاتی نوین*، تهران: شهر دانش.
- ۴- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۵)، *المنطق (منطق مظفر)*، قم: نشر اسماعیلیان.

سایتی:

<http://www.loghatnaameh.org>  
[www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)

سایر:

لوح فشرده فرهنگ معین

در جهت شفاف نمودن ابعاد این قانون نشان می‌دهند و درست به همین دلیل هم عده‌ای به راحتی از این شرایط به وجود آمده سوء استفاده می‌کنند و آن را به نفع خود تغییر می‌دهند. به عنوان مثال یکی از مشکلات به وجود آمده ناشی از این عدم شفافیت موجود، مربوط به وضعیت پرداخت عوارض و مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

در حقیقت با توجه به آنکه ماهیت سامانه و پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به گونه‌ای است که در قراردادهای شرکت‌های پیمانکار، پرداخت‌کننده مالیات و عوارض، کارفرمایان دولتی بوده و دریافت‌کننده آن نیز اداره کل امور اقتصادی و دارایی می‌باشد، اما بعضاً مشاهده شده است که برخی کارفرمایان از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند و بدیهی است که در صورت عدم پرداخت مبالغ عوارض و مالیات از طرف کارفرمایان، امکان پرداخت آن از طرف پیمانکار وجود ندارد و لذا اعمال جرایم به پیمانکاران خود ظلمی مضاعف به آنهاست. چرا که نه تنها باید اصل عوارض و مالیاتی را که خود از کارفرما دریافت نکرده بپردازد، بلکه به همین بهانه جرایم سنگینی نیز علیه آنها صادر و مطالبه می‌شود که این مطلب به دور از عدالت است.

### نتیجه گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که حقوق شهروندی هدیه الهی و جزء حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد در هر مکانی که باشد و از هر رنگ، نژادی استحقاق برخوردار از آن را دارد، حقوق شهروندی منبث از تعالیم اسلامی می‌باشد؛ این مفاهیم امروزه جهانی شده و ارزش معنوی پیدا کرده است.